

فصل چهاردهم

هنر اروپای بعد از رنسانس تا قرن بیستم



هدف‌های رفتاری : پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که بتواند :

- ۱- هنر باروک را شرح دهد.
- ۲- معماری و نقاشی باروک را بیان کند.
- ۳- هنر روکوکو را شرح دهد.
- ۴- هنر نئوکلاسیسیسم را توضیح دهد.
- ۵- مکتب رمانتیسیسم را شرح دهد.

- ۶- عوامل ایجاد کننده رئالیسم را شرح دهد.
- ۷- خصوصیات امپرسیونیسم را شرح دهد.
- ۸- هدف هنر سمبولیسم را توضیح دهد.

۱- باروک^۱

باروک واژه‌ای است که مورخان هنر برای آثار هنری و ادبی و موسیقی سده هفدهم و اوایل سده هجدهم اروپای غربی به کار می‌برند. این کلمه به معنی مروارید نامنتظم است که تا سده نوزدهم به معنی بی‌تناسب و ناهماهنگ بود. علت این نام‌گذاری این بود که سازندگان آثار هنری به‌ویژه در معماری از شیوه‌های مختلف هنری (کلاسیک، گوتیک، رنسانس و...) متأثر بودند. هنر باروک در مقایسه با دوره رنسانس، هنری با شکوه، نمایشی، زیاده‌روی در تجمل، احساسی و تلاش برای وحدت بین معماری، تندیس‌سازی و نقاشی است. تمایل بیشتر به مذهب، توسعه علوم و رقابت دارندگان ثروت و قدرت در تولید آثار هنری در نقاط مختلف اروپا از عوامل شکل‌گیری شیوه باروک بود. شیوه باروک از شهر رُم شروع شد و اندکی بعد در سراسر ایتالیا رواج یافت و سپس در فرانسه، اسپانیا، انگلستان، هلند و آلمان گسترش یافت. باروک تفاوت‌های بنیادین با سبک‌های رنسانس دارد. باروک هنری پویا و احساسی بوده و برعکس اصول کلاسیک که بیشتر عقلانی است. از ویژگی‌های بارز هنر باروک ایجاد هماهنگی در میان عناصر گوناگون است، در حالی که کمال مطلوب اوج هنر رنسانس برقراری تعادل میان اجزایی است که هر کدام به تنهایی از تمامیت و کمال برخوردارند.

● معماری



تصویر ۱- کلیسای سن‌پیر روم، نما اثر کارلو مادرنو، ستون کاری اثر برنینی، حدود ۱۶۱۲-۱۶۰۷ میلادی

معماری باروک با ساخت کلیساهای بزرگ از شهر رُم شروع شد. معماران این عصر نیز مانند دوره رنسانس هم پژوهشگر و هم در چند رشته تخصص داشتند، معماری باروک بنا به سلیقه معمار یا سفارش‌دهنده از سنت‌های مختلفی چون کلاسیک باستان، گوتیک و رنسانس در یک بنا سود می‌برد و تلاش می‌کرد بین عناصر مختلف هماهنگی ایجاد کند. در معماری باروک استفاده از شکل بیضی به جای دایره در گنبدها، پنجره‌ها و سقف رایج شد. سطوح محدب و مقعر، تأکید بر مرکز ساختمان، ارتباط معماری با فضای پیرامون، تأکید تزئینات داخلی و تلاش برای هماهنگی میان معماری، نقاشی و تندیس‌سازی بود. کارلو مادرنو^۲ و برنینی^۳ از بنیان‌گذاران معماری باروک در شهر رُم بودند. نما و صحن بیرونی

۱- Baroque

۲- Carlo Maderno

۳- Bernini

کلیسای سن پیر^۱ در رُم کار مادرنو و ستون‌کاری آن کار برنینی است (تصویر ۱). برنینی از معماران و تندیس‌سازان بزرگ شهر رُم بود، وی پیرو سنت کلاسیک باستان بود و خود را جانشین میکل‌آنژ می‌دانست، تزینات پُر تجمل صحن داخلی کلیسا از نمونه کارهای او است. کاخ لوور^۲ از آثار باشکوه معماری باروک است. این بنا متأثر از سنت کلاسیک باستانی است اما ستون‌های دو تایی آن ابتکار جدیدی



تصویر ۲- نمای شرقی کاخ لوور، سال ۱۶۷۰-۱۶۶۷ میلادی، پاریس (در حال حاضر موزه لوور) بود که در معماری فرانسه رواج یافت (تصویر ۲).

● نقاشی

نقاشان باروک در نمایش طبیعت به واقعیت وفادار بودند و در آثارشان به رنگ، بافت، محاسبه روشنایی و تاریکی، استفاده از نور برای جلب توجه، حالت نمایشی، فضای پر و خالی و جلوه‌های غیر مترقبه اهمیت می‌دادند. از ویژگی‌های نقاشی باروک رواج نقاشی‌های علمی، تجسم فرهنگ و ادبیات عامه و آدم‌های معمولی، طبیعت بیجان، نقاشی منظره، نقاشی سقفی (تصاویر ۳ و ۴)، از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان به کاراواچو^۳، دیه‌گو ولاسکوئز^۴ و رامبراند^۵ اشاره کرد.



تصویر ۴- تصویر ندیمه‌ها اثر ولاسکوئز، رنگ و روغن، سال ۱۶۵۶ میلادی، مادرید



تصویر ۳- مارکزا، اثر روبنس، رنگ و روغن، سال ۱۶۰۶ میلادی، گالری هنر واشنگتن

۱- Saint Peter

۲- Palace of Louvre

۳- Karavaggio

۴- Velazquez

۵- Rembrandt

● تندیس‌سازی

تندیس‌سازی باروک نیز همانند نقاشی بسیار زنده، پرشور و چشمگیر است و بیان‌گر تلاش هنرمند در ارائه احساسات عمیق انسان است و تلاش دارد واکنش تماشاگر را برانگیزد (تصویر ۵). تندیس داوود در حال پرتاب سنگ به جالوت اثر برنینی سرشار از بیان احساس، تحرک و پویایی است (تصویر ۶).



تصویر ۶- داوود در حال پرتاب سنگ به سمت جالوت، اثر برنینی، سنگ مرمر، سال ۱۶۲۳ میلادی، روم (مقایسه کنید با داوود میکلا آنژ)



تصویر ۵- تندیس بدن روحانی متوفی (طبیعت‌گرایی پُر احساس)، اثر استفانو مادرنو، مرمر، حدود ۱۶۰۰ میلادی، روم

۲- روکوکو^۱

اصطلاحی در تاریخ هنر برای توصیف هنر تزئینی در زمینه‌های مختلف، چون تزئینات معماری، نقاشی، تندیس‌سازی، طراحی ائانیه، اشیای زینتی و غیره پدید آمد. واژه روکوکو از واژه فرانسوی روکای به معنی «سنگریزه» گرفته شده است و به سنگریزه‌ها و صدف‌هایی اطلاق می‌شود که برای تزئین فضای داخل غارها و سرداب‌های مصنوعی به کار برده می‌شوند. و اتو^۲ از برجسته‌ترین هنرمندان سده هجدهم میلادی سبک خاصی را آفرید که پس از او به روکوکو انجامید. نقاشی این دوره، سرشار از جلوه‌های پراحساس و حتی شاد و فریبنده با موضوع‌های دنیوی و سبکسرا، رنگ‌های لطیف و خطوط منحنی و منطبق با سلیقه اشرافیت است. فراگونار^۳، که نقاشی‌های او تزئینی با رنگ‌های چشم‌نواز است از نمایندگان این سبک به‌شمار می‌رود (تصویر ۷).



تصویر ۷- بخشی از تابلو به نام تاب، اثر فراگونار

۱- Rococo

۲- Watteau

۳- Fragonar

۳- هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی (نئوکلاسیسیسم، رمانتیسیسم، رئالیسم و ...)

اروپا و کشور نوظهور امریکا از اواسط سده‌های هجده و نوزده شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی بود. انقلاب صنعتی در اروپا، انقلاب فرانسه بر علیه نظام استبدادی حاکم و انقلاب مردم امریکا بر علیه استعمار انگلیس از عوامل بسیار مهم در تغییر نگرش مردم نسبت به هنر بوده‌اند. در طول این دو سده به تدریج سلطهٔ کلیسا و حکومت‌های استبدادی بر مردم از بین رفت و فرهنگ اروپای غربی و امریکا، به تدریج دنیوی شد. شکل‌گیری موزه‌ها و گالری‌های هنری، رواج خرید و فروش آثار هنری و نشر کتب و نشریات هنری باعث گسترش هنر در جامعه شد. رشد جامعهٔ شهری و طبقهٔ متوسط جامعه، سبب شکل‌گیری جنبش‌ها و شیوه‌های مختلف هنری شد. این جنبش‌ها بیشتر در نقاشی تجلی یافته است. ظهور مصالح ساختمانی جدید اشکال جدیدی را در معماری پدید آورد. اینک به اجمال مهمترین سبک‌های هنری این دو سده معرفی می‌شود.

● نئوکلاسیسیسم^۱

نئوکلاسیسیسم سبکی هنری است که در نیمه دوم سده هجدهم واکنشی علیه باروک و روکوکو به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر گرایش به هنر آرمانی یونان و روم به‌عنوان تقلید از طبیعت در این مکتب شکل گرفت. هنرمند معروف این سبک داوید^۲ (۱۷۴۸-۱۸۲۵م) است. او در برابر سبک روکوکو طغیان کرد و سنت‌های کلاسیک را از نو به سبک فردی خود احیا نمود (تصویر ۸). تصویر ۹ نمونه‌ای از معماری نئوکلاسیک می‌باشد که از ستون‌ها و نمای معماری کلاسیک یونان تأثیر گرفته است.



تصویر ۸- سوگند هوراتیوس‌ها، اثر ژاک لویی داوید، ۱۷۸۴م، رنگ روغن روی بوم، ۴۲۰×۳۳۰ سانتی‌متر، موزه لوور، پاریس



تصویر ۹- خانه توماس جفرسن رئیس جمهور امریکا، سده ۱۸ میلادی، ویرجینیا، امریکا

۱- Neo - Classicism

۲- David

● رمانتیسیسم^۱

مکتب رمانتیک در هنرهای تجسمی، از اواخر قرن هجدهم یعنی از ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ هم زمان با احیای مکتب نئوکلاسیک تجلی یافت و در میانه قرن نوزدهم جانشین نئوکلاسیک شد. زادگاه این سبک انگلستان بود و مکتب منظره‌نگاری انگلیسی تأثیر بسیار گسترده‌ای بر جنبش رمانتیک داشت.

جنبش‌های اجتماعی این عصر سبب دگرگونی در ذهن انسان اروپایی شد. در این مکتب نقاشان کارگاه نقاشی را رها کردند. آنها به طبیعت عشق می‌ورزیدند و براساس عاطفه و ذهن هنرمند رنگ‌ها را تابناک و سرزنده به تصویر می‌کشیدند. موضوعات معمولی و چهره‌های عادی را انتخاب و جایگزین تناسبات رسمی و قراردادی کردند. لازم به ذکر است که اینها همه در عصر «انقلاب صنعتی» یعنی گریز از ماشین و پناه بردن به دایمان طبیعت بود. شاخص‌ترین هنرمند رمانتیک دلاکروا^۲ است که دامنه امکانات بیانی این هنر را گسترش فراوان داد. او شیوه رنگ‌پردازی و قلم‌زنی خود را به نقاشان بعدی مخصوصاً به امپرسیونیست‌ها انتقال داد. هنر نقاشی در عصر رمانتیسیسم، بیشتر موضوعات را از ادبیات الهام می‌گرفت. دلاکروا نیز داستان‌های تابلوهایش را عموماً از ادبیات و رخداد‌های روزگار خود بر می‌گزید (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- پاگانینی، اثر اوژن دلاکروا، حدود ۱۸۳۲، رنگ روغن روی مقوا، ۲۸×۴۲ سانتی‌متر، مجموعه فیلیپس، واشنگتن

● رئالیسم^۳

رئالیسم در میانه سده نوزدهم به وجود آمد که واکنشی در برابر خصلت آرمانی کلاسیسیسم و خصلت عاطفی و ذهنی رمانتیسیسم بود. انسان‌دوستی و علاقه به اصلاحات اجتماعی موضوعی بود که به تمام زوایای زندگی و هنر سده نوزدهم راه پیدا کرد. آنچه به نظر هنرمند جالب می‌آمد، اکنون در محیط خود او وجود داشت و این موضوع جالب، مردم - همان گونه که هستند - بود. نقاشی رئالیستی بازنمایی بدون آرمانگری در مفهوم صحنه با تمام خصوصیات پسندیده و ناپسندیده بود. این نهضت با کوربه^۴ آغاز می‌شود. تابلوی «سنگ شکنان» او نخستین نمونه تمام‌عیار نقاشی به این شیوه است. او معتقد بود که هنرمند باید فقط چیزهای مرئی و ملموس را بازنمایی کند. او موضوعاتی چون زندگی و کار تهیدستان را انتخاب می‌کرد و راه را برای نقاشان دیگر حتی با دیدگاه‌های متفاوت گشود (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۱- سنگ شکنان، اثر گوستاو کوربه، نگارخانه دولتی، درسدن (این تابلو در جنگ دوم جهانی ناپدید شد)

۱- Romanticism

۲- Delacroix

۳- Realism

۴- Courbet

۴- دیگر نقاشان (بدون مکتب)

در قرن نوزدهم تعدادی از هنرمندان جوان آزادانه مسیرهای فردی یا گروهی تازه‌ای در پیش گرفته و از حدود هر مکتب و شیوه بیرون قرار گرفتند. نخستین آنها گویا^۱ نقاش اسپانیایی بود. او هیچ مکتبی نداشت و در نقاشی‌های خود با بدبینی شدید و هجوی کابوس مانند، ستمگری زورمندان را به باد انتقاد می‌گرفت و از ستمدیدگان حمایت می‌کرد (تصویر ۱۲).

دومیه^۲ نیز با تکنیک چاپ سنگی مقدار زیادی کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی برای چاپ در مجلات و روزنامه‌ها ساخت (تصویر ۱۳).
میله^۳ (میه) نقاشی است که تمایلات هر دو مکتب واقع‌گرایی و رمانتیک را در آثارش می‌توان دید (تصویر ۱۴).



تصویر ۱۲- زنان در بالکن، اثر فرانسیسکو گویا، ۱۸۱۵-۱۸۱۰ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنر متروپولیتن، نیویورک



تصویر ۱۴- خوشه چینان، اثر ژان فرانسوا میله، ۱۸۵۷ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه اورس، پاریس



تصویر ۱۳- خیابان ترانسنون، اثر اونوره دومیه، ۱۸۳۴، گراور، ۴۵ × ۳۰ سانتی متر، موزه هنری فیلادلفیا

۵- امپرسیونیسم^۴ و جریان‌های تأثیرگذار اواخر قرن ۱۹

امپرسیونیسم مهمترین پدیده هنری قرن ۱۹ اروپا و نخستین جنبش نقاشی مدرن به شمار می‌رود. آنها و تعدادی از پیروانشان احساس کردند که فقط بیننده صرف طبیعت نیستند و هنرمند باید در خلق اثر هنری دخالت کند.

۱- Goya

۲- Daumier

۳- Miller

۴- Impressionism



تصویر ۱۵- منظره کلیسای روئن در غروب آفتاب، اثر کلود مونه، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنرهای زیبای بوستون

اصطلاح امپرسیونیسم را در سال ۱۸۷۴م، روزنامه‌نگاری به‌ریشخند در مورد یکی از منظره‌های کلود مونه^۱ (امپرسیون: طلوع آفتاب) به‌کاربرد. مونه نماینده واقعی این جنبش است. او بیست و شش منظره از کلیسای روئن^۲ را نقاشی کرد (تصویر ۱۵). در هر تابلو، کلیسا از یک نقطه دید ثابت ولی در ساعات متفاوتی از روز و در شرایط اقلیمی و جوی متفاوتی نقاشی شده است. پیسارو^۳ و رنوار^۴ از شاخص‌ترین امپرسیونیست‌ها هستند. عامل پیونددهنده این نقاشان «حساسیت به رنگ» و «جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت» است. نور نقش اصلی را در نقاشی امپرسیونیستی ایفا می‌کند و وظیفه هنرمند ثبت دقیق و فوری ارتعاشات زودگذر نور است. امپرسیونیست‌ها بیشتر در فضای باز نقاشی می‌کردند.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به رودن^۵ برجسته‌ترین پیکره‌ساز فرانسوی این دوره بشود. او همانند نقش امپرسیونیست‌ها در نقاشی، به نمایش حرکت و حالت سرزندگی در تندیس‌هایش پرداخت. هنر میکل آنژ نقش قطعی در شکل‌گیری سبک او داشت. رودن تندیس‌های ناتمام رها شده و پیوسته به تخته سنگ میکل آنژ را می‌ستود و بهترین تندیس‌های مرمرین و مفرغی‌اش را نیمه تمام رها می‌کرد (تصویر ۱۶).

«سزان»^۶ از دیگر نقاشان این مکتب، با روش علمی در صدد یافتن قواعد جدیدی برای نظم دادن به تجربه و ادراک رنگ بود (تصویر ۱۷). از نظر سزان «نقاش باید طبیعت را به شکل استوانه، کره و مخروط نشان دهد».



تصویر ۱۷- نقش اشیا، اثر پل سزان، حدود سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۷۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، ۴۶×۵۵ سانتی‌متر، کلکسیون خصوصی



تصویر ۱۶- متفکر، اثر آگوست رودن، مفرغ، ۱۸۸۷-۱۸۷۹

۱- Monet

۲- Ruan

۳- Pissarro

۴- Renoir

۵- Rodin

۶- Cezanne

برداشت زیبایی‌شناسانه سزان پیش درآمدی بر نگاه هنرمندان جنبش کوبیسم شد، تا جایی که او را پدر هنر مدرن می‌نامند. بر خلاف وی، «ونسان ون گوگ»^۱ از رنگ برای بیان عواطف خویش استفاده کرد (تصویر ۱۸).

در آثار هنری تولوز-لوترک^۲ زندگی معاصر با کاریکاتوری دل‌تنگ‌کننده و زنده بیان می‌شود. گراورهای ژاپنی بر کار او بسیار تأثیرگذار بودند. او با ساده کردن پیکره‌ها و چهره‌ها دخل و تصرفاتی در آنها به وجود آورد که زمینه‌ای برای اکسپرسیونیسم شد و نوآوری‌هایی انقلابی در هنر پوستر به وجود آورد (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۸- اتاق نقاش در آرل، اثر ونسان ون گوگ، سال ۱۸۸۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، موزه اورسی، پاریس



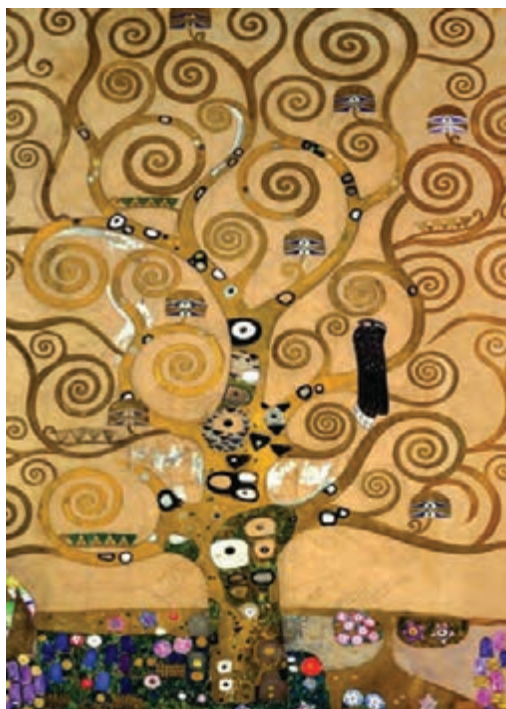
تصویر ۱۹- پوستر، اثر هنری دو تولوز-لوترک، ۱۸۹۲

۶- سمبولیسم (نمادگرایی)

در دو دهه آخر قرن ۱۹ جریان‌های تازه‌ای در هنر اروپا شکل می‌گیرد. جنبش سمبولیسم از جمله این جریان‌ها بود. سمبولیست‌ها تقلید از طبیعت را خوار شمردند و آن را تبدیل به سمبل

۱- Vanogh

۲- Lautrec



تصویر ۲۰- بخشی از اثر درخت زندگی، سمبولیسم، اثر کلیمت

یا نمادی از تجربه درونی آن واقعیت کردند. تفسیرهای آزادانه هنرمند از طبیعت جای شکل‌های قطعی جهان مرئی را گرفت و کم‌کم اسلوب کار هنرمند شخصی‌تر شد. هنرمند با رد شکل‌های قراردادی، از سلطه مفاهیم و معانی قراردادی نیز بیرون می‌آید. وظیفه هنرمند جستجوی سرچشمه‌های پنهان و مرموز آدمی است. آنها به دنبال کشف و شهود بودند. سمبولیست‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما به استقلال هنر باور داریم، هنر برای ما وسیله نیست بلکه هدف است. هر هنرمندی که چیزی جز زیبایی در نظر گیرد، در نظر ما هنرمند نیست...». شعار «هنر برای هنر» شیوه زندگی آنها بود. کلیمت^۱ از نقاشان جنبش سمبولیست می‌باشد (تصویر ۲۰).

ارزشیابی

- ۱- هنر باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- معماران باروک چه نام داشتند؟ و ویژگی معماری آنها چه بود؟
- ۳- نقاشی‌های عهد باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۴- ویژگی‌های تندیس‌های عهد باروک را شرح دهید.
- ۵- ویژگی خاص هنر روکوکو را توضیح دهید.
- ۶- شیوه نقاشی نئوکلاسیسیسم دارای چه خصوصیتی است؟
- ۷- مکتب رمانتیسیسم دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۸- چه عواملی سبب ایجاد و ظهور رئالیسم شد؟
- ۹- منظور از نقاشان بدون مکتب چیست؟
- ۱۰- جنبش امپرسیونیسم دارای چه نوآوری‌هایی در عرصه نقاشی بود؟
- ۱۱- ویژگی‌های سمبولیسم را شرح دهید.
- ۱۲- جاهای خالی را در جداول زیر با عبارات صحیح و مناسب پر کنید.

مکتب :		مکتب : رئالیسم
حساسیت به رنگ و جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت	نقاشان :	نقاش :
پیکرتراشان :	آثار : چاپ سنگی، کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی	اثر : سنگ‌شکنان